

گستره تحدی قرآن

نفیسه امیری دوماری^۱، ریام محمد فاضل^۲

چکیده

تحدی از اصلی ترین دلایل اعجاز قرآن کریم است که دانشمندان علوم قرآن ضمن موضوع اعجاز قرآن به آن پرداخته اند. یکی از مسائل مهم در مورد تحدی قرآن گستره و قلمرو آن است به این معنی که آیا تحدی اختصاص به زمان یا قوم خاصی دارد یا آنکه گستره تحدی فراتر از زمان، مکان و ملت خاصی است؟ مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است و پس از بررسی آیات تحدی، ترتیب و سیر نزول آن آیات در قرآن را بررسی می کند. نتیجه پژوهش حاضر این است که در تحدی قرآن فقط ناتوانی سخنوران عرب عصر بعثت در آوردن همانندی برای قرآن مطرح نیست بلکه اعجاز قرآن، وسعت و شمول دامنه نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هدایت گری عام قرآن از نظر زمانی، مکانی و افرادی دلالت بر عام بودن تحدی برای تمام اعصار و افراد دارد و فقط منحصر به عرب عصر نزول نیست.

واژگان کلیدی: اعجاز قرآن، تحدی قرآن، گستره تحدی قرآن.

۱. تبیین مسئله

پیامبران الهی حاملان پیام های پروردگار متعال به مردم بودند. طبیعت پیام های الهی با نیازهای فطری و دریافت های عقلی چنان هماهنگ است که به نشانه های زیادی نیاز ندارد، اما هستند کسانی که به دلیل غفلت دل، وابستگی های ویران گر و شبهه های علمی با انگیزه نادرست روحی، هماهنگی دعوت پیامبران با فطرت و دریافت های عقلی را درک نمی کنند و برای پذیرش دعوت پیامبران به نشانه های بیشتر برای اثبات خدایی بودن دعوت پیامبران نیاز دارند و با آن مخالفت می کنند. معجزات انبیا پدیده ای دفاعی در برابر تردید و تشکیک در رسالت آنهاست. اعجاز قرآن کریم دلایل متعددی دارد که تحدی، یعنی هماوردطلبی مخالفان برای آوردن مثل قرآن یکی از آن دلایل است. مشی اولیه هیچ یک از پیامبران تحدی نبوده است. آنها می خواستند مردم با درک و دریافت ایجابی به حقیقت کلام و پیام آنان برسند. آنها طالب هدایت مردم و توجه به حقیقت کلام و معارف الهی بوده اند. پیامبران تنها

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علمی - تربیتی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از ایران.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از عراق.

در شرایط خاص به تحدی روی می‌آوردند. لازم نیست که تحدی به کتاب باشد همان‌طور که تحدی مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است. حضرت نوح علیه السلام نیز تحدی کرده است. موسی علیه السلام هم به صورت عملی تحدی کرده است. حضرت داود علیه السلام نیز با آوردن تابوت تحدی کرده است. افزون بر سابقه تاریخی تحدی در میان پیامبران در عرف و فرهنگ عرب که شعر، سخن و عرضه بهترین و آهنگین‌ترین کلمات هنر آن قوم بوده است رسم تحدی ادبی و هنری امری طبیعی بوده است. بنابراین، با توجه به عادات و سنن پیامبران و با توجه به اینکه ادعای می‌کردند اگر بخواهند می‌توانند نظیر قرآن را بیاورند، خداوند تحدی می‌کند. شبهاتی که به واسطه مشککین در زمینه قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان معاصر پیدا شده است باعث ایجاد انگیزه و تلاش دانشمندان مسلمان برای مقابله با این شبهات و تقویت اعتقادات افراد جامعه اسلامی بر اساس اثبات سندیت قرآن شده است. این پژوهش در صدد پاسخ به سؤالات ذیل در ارتباط با تحدی قرآن است: گستره تحدی قرآن تا چه اندازه است؟ آیا تحدی مختص زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و عرب زمان نزول قرآن است یا فراتر از زمان عصر نزول قرآن است و همه انسان‌ها چه عرب و چه غیر عرب را شامل می‌شود؟ آیا تحدی ویژه انسان است یا شامل جنیان هم می‌شود؟

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. تحدی

تحدی از ریشه حدا به معنای هم‌آورد خواستن و به مبارزه طلبیدن برای ظاهر شدن عجز هم‌آورد است. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۳/۹۰؛ ابن فارس، ۱۴۲۰، ۲/۳۵) تحدی قرآن عبارت است از مبارزه طلبی خدای متعال از مخالفان رسول اکرم صلی الله علیه و آله که اگر آن حضرت را فرستاده خداوند نمی‌دانند برای آنچه وی آورده است، مانندی بیاورند (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۱/۶۴). عالمان دین تحدی را به عنوان شرط اعجاز ذکر کرده‌اند، یعنی یک عمل شگفت‌انگیز زمانی اعجاز نامیده می‌شود که مدعی آن تصریح به تحدی و مقابله کند به گونه‌ای که بدون آن اعجاز، نبوت اثبات نمی‌شود. طرفداران این دیدگاه را می‌توان با مروری در تعریف اعجاز شناخت. برای مثال فخر رازی در تعریف معجزه می‌گوید: «والعجز أمر خارق للعادة مقرون بالتحدی مع عدم المعارضه» (فخر رازی، ۱۱۴۸، ص ۴۸۹). سید مرتضی در تعریف تحدی می‌نویسد: «المعجزه الفعل الناقض للعاده یتحدی به الظاهری زمان التکلیف لیصدق مدّعی فی دعواه» (سید مرتضی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹). آیت‌الله خوئی نیز در تعریف معجزه می‌گوید: «أن یأتی المدّعی لمنصب من

المناصب الإلهية بما يخرق نواميس الطبيعة ويعجز عنه غيره شاهداً على صدق دعواه» (خوبی، ۱۳۹۵، ص ۳۵). تحدی از ملزومات تعریف معجزه است که همان هماورد طلبیدن برای اثبات صدق دعوی مدعی است.

۲-۱-۱. سیر آیات تحدی در قرآن

در آیات قرآن گاه تحدی به کل قرآن، گاهی به ده سوره و گاه نیز به یک سوره صورت گرفته است. (خلف الله، ۱۴۲۲، ص ۱۰۹) آیات تحدی در قرآن به دو صورت عام و کلی مطرح شده اند.

اول. آیه ۴۹ سوره قصص

«قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو پس اگر راست می گویند کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو هدایت کننده تر باشد تا پیرویش کنم».

دوم. آیه ۸۸ سوره اسراء

«قُلْ لئن اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا؛ بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند».

سوم. آیه ۳۸ سوره یونس

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَدْعَيْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ یامی گویند آن را به دروغ ساخته است؟ بگو اگر راست می گویند سوره ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می توانید، فرا خوانید».

چهارم. آیه ۱۳ سوره هود

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَدْعَيْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ یامی گویند این [قرآن] را به دروغ ساخته است. بگو اگر راست می گویند ده سوره مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می توانید فرا خوانید».

پنجم. آیه ۳۳-۳۴ سوره طور

«أَمْ يَقُولُونَ تَقْوْلُهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ؛ یامی گویند آن را برافته [نه] بلکه باور ندارند، پس اگر راست می گویند سخنی مثل آن بیاورند».

ششم. آیه ۲۳-۲۴ سوره بقره

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا نَارَ الَّتِي وُقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید، پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فراخوانید. (۲۳) پس اگر نکردید و هرگز نمی‌توانید کرد از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگ‌ها هستند و برای کافران آماده شده است، بپرهیزید.

بر اساس روایات ترتیب نزول به جز روایت ابن ندیم (۱۳۵۰، ص ۲۸) خداوند نخست به همه قرآن (اسراء: ۸۸) سپس به یک سوره (یونس: ۳۸) و در مرحله سوم به ده سوره (هود: ۱۳) و پس از آن به حدیثی از آن مانند قرآن (طور: ۳۴) و برای آخرین بار در مدینه به سوره‌ای از قرآن (بقره: ۲۳) تحدی کرده است در حالی که سیر طبیعی می‌طلبد که تحدی از دشوارتر به آسان‌تر، یعنی از کل سوره‌ها به ده سوره و سپس به یک سوره باشد (لنکرانی، ۱۳۸۶، ص ۳۴) و این ترتیب نزول خلاف آن را ثابت می‌کند. مفسران در برابر روایات ترتیب نزول دو نظریه دارند: - دسته اول سیر نزولی آیات را در نظر گرفته‌اند، یعنی سیر از آشد به أخف. بر اساس این سیر خداوند شرایط مبارزه را مرحله به مرحله کاهش داده است.

- دسته دوم سیر صعودی آیات تحدی، یعنی از أخف به آشد را مطرح کرده‌اند. در مقایسه بین این دو دیدگاه نظریه اول مورد توجه است و معقول‌تر به نظر می‌رسد. در این مورد نظر عایشه بنت الشاطی قابل توجه است. وی معتقد است که سوره اسرا از سوره‌های مکی است و در ترتیب نزول، پنجاهمین سوره قرآن است و در آن تحدی و مبارزه جویی نسبت به آوردن همانندی برای این کتاب است. قرآن پس از تحدی و مبارزه جویی فراگیر در سوره اسرا اعراب را در آیه ۳۸ سوره یونس که پس از آیه ۸۸ سوره اسرا نازل شده است به میدان این مبارزه فرامی‌خواند که فقط یک سوره از سوره‌های قرآن بیاورند. آنها که مدعی شده‌اند حضرت محمد ﷺ خودش قرآن را ساخته است و به خدا نسبت می‌دهد چرا ده سوره ساختگی مانند سوره‌های قرآن نمی‌آورند؟ این مطلبی است که آیات سوره هود آنها را به آن فرامی‌خواند بلکه اکنون که زبان قرآن زبان آنهاست و بلاغت نیز در بند زبان آنان است چرا گفتاری همانند قرآن نمی‌آورند؟

تمام آیات مربوط به اعجاز قرآن و اثبات آن از آیه ۸۸ سوره اسرا که پنجاهمین سوره در



ترتیب نزول است تا آیات ۳۳-۳۴ سوره طور که هفتاد و ششمین سوره است قبل از هجرت نازل شده اند، اما پس از هجرت و در همان آغاز دوران مدنی آیه ۲۳-۲۴ سوره بقره، یعنی نخستین سوره مدنی نازل شد و در آن اعراب را به این مبارزه فراخواند که سوره‌ای مانند آن بیاورند تا جدلی که چندین سال طول کشیده است به نقطه پایان برسد. (بنت الشاطی، ۱۴۰۴، ص ۵۸) بیشتر مفسران و دانشمندان علوم قرآنی مفاد آیات تحدی به مثل قرآن را به کل قرآن دانسته‌اند، اما این احتمال که مقصود از قرآن در این آیات معنای جنس باشد و درصدد بیان مقدار معجزه قرآن نباشد به صورت جدی مطرح است؛ زیرا قرآن از ماده قرائت است و قرائت و تلاوت هم بر کل قرآن صادق است و هم بر جزء آن. همچنین هنگام نزول این آیات تمام سوره‌های قرآن نازل نشده بودند. بنابراین، نمی‌توان تحدی در این آیات را تحدی به کل قرآن دانست. در این صورت بحث ترتیب تحدی خدشه‌دار می‌شود، ولی با پذیرش پیش‌فرض مفسران می‌توان گفت که آیات تحدی در مرحله اول از بشر می‌خواهد که اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارید کتابی مانند قرآن بیاورید که همه امتیازات قرآن را دارد و پس از آنکه عجزشان ثابت شد، تخفیف می‌دهد و می‌فرماید یک سوره که از هر جهت شبیه قرآن باشد، بیاورند و پس از اینکه از چنین امری ناتوان شدند باز هم تخفیف می‌دهد و از آنها می‌خواهد که ده سوره بیاورند که هر کدام یکی از جهات اعجاز قرآن را داشته باشد به طوری که مجموع آن ده سوره بتواند ویژگی‌های یک سوره قرآن را داشته باشد. بدیهی است که ساختن یک سوره که از هر نظر شبیه سوره‌های قرآن باشد مشکل‌تر از آوردن چند سوره است که هر یک در یک مورد شبیه قرآن باشد، پس تحدی از اشد به اخص صورت گرفته و معقول است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، صص ۱۲۷-۱۳۳).

در دسته‌ای دیگر از آیات قرآن تحدی به صورت خاص و جزئی مطرح شده است (طباطبایی، ۱۴۱۵، ۱/ ۵۹) مانند تحدی به فصاحت و بلاغت (نحل: ۱۰۳)، تحدی به هماهنگی و عدم اختلاف (نسا: ۸۲)، تحدی به خبرهای غیبی (انعام: ۵۹).

۳. گستره زمانی و افرادی تحدی قرآن

گستره تحدی قرآن باید هماهنگ با قلمرو دعوت آن باشد و چون قلمرو دعوت قرآن همه انسان‌ها در سراسر تاریخ است میدان تحدی آن نیز همگانی و همیشگی است. همان‌طور که دعوت قرآن منحصر به صدر اسلام یا قوم عرب نبود تحدی آن نیز به عصر پیامبر ﷺ و یا عرب‌زبانان

منحصر نمی‌شود. گسترده‌ترین تحدی از میان آیات قرآن در آیه ۸۸ سوره اسراست: «قُلْ لَّيْسَ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا». مخاطب این مبارزه طلبی جن و انس، یعنی همه جهانیان هستند. از این آیه به خوبی روشن می‌شود که اعجاز قرآن ویژه فصاحت و بلاغت و زبانی خاص که زبان عربی است، نیست بلکه از جهات مختلف مطرح است و گر نه دعوت به مقابله غیر عرب با یک کتاب عربی بی‌تناسب است. (معرفت، ۱۴۱۱، ۲۳/۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۲۲۷/۱۴؛ نصار، ۱۴۰۴، ص ۹۰؛ جوان آراسته، ۱۳۷۷، ص ۲۵۲)

باید گفت چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران است و دعوت وی جهانی است، پس همه انسان‌ها و جنیان از عصر نزول تا پایان جهان مخاطب قرآن هستند، البته برخی از وجوه اعجاز مانند خبرهای غیبی و اعجاز هدایتی متوجه عموم و قابل ادراک برای همه است، ولی برخی وجوه اعجاز تنها با مراجعه به اهل فن یا با یادگیری علوم پیش نیاز قابل دسترسی است. در این زمینه می‌توان دیدگاه‌های مفسران و دانشمندان علوم قرآنی را در دو دسته جای داد:

- دسته اول که نظر بیشتر مفسران، ادیبان و دانشمندان علوم قرآن است این است که تحدی عام است و همه نسل‌ها و مردم همه عصرها مخاطب تحدی قرآن هستند. این گروه برای نظر خود دلایلی دارند مانند: تحدی از شروط اعجاز است، اعجاز در هر زمان پایدار است و مختص به زمان نزول نیست، پس تحدی نیز در همه زمان‌ها پایدار است؛ آیات تحدی عام هستند و اختصاصی به زمان نزول ندارند. (الدوری، ۱۴۱۷، ص ۴۷)

از جمله معتقدان این نظر عبارتند از: سید احمد صقر شارح و محقق اعجاز القرآن (باقلانی ۱۱۱۹، ص ۸؛ سید قطب ۱۴۲۵، ۵۴/۱؛ مغنیه ۱۴۲۴، ۶۶/۱). علامه طباطبایی در کتاب *الإعجاز والتحدی فی القرآن الکریم* پس از عام دانستن همه وجوه اعجاز در تحدی می‌فرماید: «فهذا ما تحدی به القرآن تحدياً لكل فرد في كل مكان وفي كل زمان». علامه در کتاب *اعجاز القرآن للخطيب* می‌نویسد: «إنما القرآن معجزة قائمة على الزمن كله وعلى الناس جميعاً في اجيالهم المتعاقبه» (خطیب، ۱۹۷۵، ۲۱۵/۱). احمد عبدالله خلف الله نیز در کتاب *القرآن يتحدی* تحدی را عام و مختص عرب و غیر عرب می‌داند: «التحدی القرآنی عام للعرب ولغيرهم» (خلف الله، ۱۴۲۲، ص ۱۲۰). حسین نصار در کتاب *اعجاز القرآن* عدم انحصار تحدی به زمان نزول را می‌پذیرد: «أن التحدی لا يقتصر على عصرٍ دون آخر» (نصار، ۱۹۹۹، ص ۶۱).

- دسته دوم افرادی هستند که معتقدند فقط عرب زمان رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مخاطب

تحدی بوده‌اند. از معتقدان به این نظر عبدالقاهر جرجانی در *الرساله الشافیة* است. وی معتقد است که ثبوت ناتوانی اعراب عصر بعثت دلیل قاطعی است بر اینکه دیگران نیز از چنین چیزی ناتوان خواهند بود؛ زیرا آنها اصل و الگو در این مسئله هستند و دیگران به پای آنها نمی‌رسند و قادر بر افزودن و یا تکمیل فصاحت و بلاغت نیستند. (خلف الله، ۱۴۰۹، ص ۱۱۷) باقلانی در این زمینه موضعی غیرمنسجم دارد. وی از سویی عقیده کسانی را که مدعی شده‌اند تنها مخاطبان تحدی قرآن مردمان نخستین عصر ظهور اسلام بوده‌اند، نادرست می‌داند و گفته‌اند آنچه مبنای اثبات معجزه بودن قرآن است این است که اعراب عصر بعثت به آوردن همانندی برای قرآن و هم‌وردی با آن در عرصه بلاغت فراخوانده شده‌اند، ولی پس از این دعوت به مبارزه در پاسخ‌گویی به آن ناتوان مانده‌اند. موضع غیر منسجم باقلانی از این سخن وی مشخص می‌شود:

این آیت، یعنی معجزه قرآن علمی است که بر همگان لازم است آن را بپذیرند و در مقابل آن تسلیم شوند. این در حالی است که پیش از این مشخص شد که مردم در درک این حقیقت و رسیدن به این علم یا به عبارت دیگر به وجه دلالت آن با یکدیگر تفاوت دارند؛ زیرا غیر عرب تنها با آگاهی از ناتوانی عرب در این مسئله به این معرفت می‌رسند که قرآن معجزه است.

غیر عرب در معرفت این امر به واسطه‌هایی نیاز دارد که افرادی که خود اهل فصاحت هستند به آن نیاز ندارند، اما وقتی همین غیر عرب از ناتوانی اهل فصاحت به این مسئله آگاه می‌شوند مخاطب این آیت و حجت قرار می‌گیرند، پس کسانی هم که اهل فصاحت هستند در سطحی متوسط قرار دارند مسئله اعجاز را درک نمی‌کنند. (باقلانی، ۱۴۰۴، ص ۳۵).

باقلانی در این موضع از کسانی که معتقدند تحدی و مبارزه جویی قرآن تنها خطاب به مردم نخستین عصر ظهور اسلام است، دور نیست، یعنی همان عقیده‌ای که او خود در جاهای دیگر آن را به شدت محکوم کرده است. او در جایی درباره مردم نخستین دوران می‌گوید:

آنان از آوردن همانندی برای قرآن ناتوان بوده‌اند، پس دیگر مردمان که در دوره‌های بعد آمده‌اند از آنان ناتوان‌ترند؛ زیرا فصاحت و فنونی که در سخن به کار می‌گرفتند به اندازه‌ای است که مردمان دوره‌های بعد نمی‌توانند چیزی بر آن بیفزایند، اما دیری نمی‌پاید که بلافاصله در عبارت بعد این عبارت را که تنها اعراب عصر بعثت مخاطب تحدی بوده‌اند، نادیده می‌گیرند و می‌گویند این تحدی به یک نحو هم آنان و هم دیگران را مورد خطاب قرار داده است. به این معنی که همه به یک نحو مخاطب تحدی و

مبارزه جویی قرار گرفته‌اند، و از سوی دیگر، انگیزه مخالفت و به مبارزه برخاستن در همه طبایع به یک نحو موجود است و تکلیف نیز به یک شیوه و بی آنکه تفاوتی در کار باشد متوجه همگان است. (باقلانی، ۱۴۰۴، ص ۴۲)

قاضی عبدالجبار می‌گوید:

ما نمی‌گوییم خداوند غیر اعراب را نیز به مبارزه با قرآن در عرصه بیان و بلاغت فراخوانده است بلکه می‌گوییم او تنها کسانی را که اهل این کارند به هموردی خوانده و آن‌گاه ناتوانی آنان را در این امر دلیلی بر نبوت او برای همگان و دلیلی بر این قرار داده است که قرآن از حد عادت عرب در فصاحت و بلاغت بیرون است. (عبدالجبار، بی تا، ۲۹۵/۱۶)

در این میان عبدالقاهر جرجانی موضع روشن‌تر و مسلک واضح‌تری در میان این حقیقت دارد که چرا تحدی قرآن تنها خطاب به اعراب عصر بعثت بوده است. البته مقصود وی آن نیست که اعجاز بودن قرآن تنها نزد آنها پذیرفته شده است بلکه مقصودش این است که ثبوت ناتوانی آنها از آوردن همانند قرآن دلیلی قاطع است بر اینکه دیگران نیز از چنین چیزی ناتوان هستند. وی در مقدمه رساله الشافیة می‌گوید:

علم به این حقیقت علمی خاص اهل خود است و اصل و الگو در این امر اعرابند در زبان‌شان و دیگران پیرو آنها هستند و در مرتبه به ایشان نرسند و روا نیست که ادعا شود کسی از خطیبان و سخنوران متأخر از زمان پیامبر ﷺ یعنی همان زمانی که در آن وحی نازل شده بود و در آن تحدی و مبارزه جویی قرآنی صورت گرفته بود، توانسته است به آنچه مردم نخستین از بلاغت می‌دانستند، چیزی بیفزاید. (زغلول، ۱۹۱۱، ص ۱۱۷)

از طرفداران اصلی این نظریه عایشه بنت الشاطی است. بنت الشاطی با توجه به اینکه یکی از محکم‌ترین دلایل معتقدان به نظر نخستین جاودانه بودن اعجاز قرآن است و چون اعجاز قرآن همیشگی است، پس تحدی هم که از شروط اعجاز است جاودانی و عام است نظر دیگری دارد:

با تفاوت میان دو مسئله اعجاز قرآن و تحدی آن اختلاف موجود در این باره از بین می‌رود. بنابراین، اعجاز در هر عصری برپاست و مخصوص مردمی که در یک دوران یا یک زمان خاص زندگی می‌کنند، نیست، اما علت اینکه تنها مخاطبان تحدی مردم عصر بعثت نبوی بوده‌اند این است که آنها صاحبان زبان عربی بوده‌اند و اسرار بیان و بلاغت آنها را درک می‌کرده‌اند.

اختصاص خطاب تحدی به آنها از این ناشی شده است که آنها اهل زبان قرآن هستند و

عجز آنها از آوردن سوره‌ای مانند قرآن به این تحدی پایان داد. (بنت الشاطی، ۱۴۱۶، ص ۷۰) قحطان عبدالرحمن الدوری در کتاب *التحدی فی الآیات الإعجاز بر این امر تصریح کرده است که اگر چه بین این دو قول اختلاف ظاهری است، اما نتیجه یکی است؛ زیرا تحدی عرب عصر رسالت تحدی برای همه زمان‌های متأخر است. وقتی عصر نخستین که اهل فصاحت و بلاغت بوده‌اند، عاجز ماندند متأخران که زبانشان با عجم مختلط شده است، ناتوانند (الدوری، ۱۴۱۷، ص ۵۰). با قاطعیت می‌توان گفت که تنها مردمان نخستین عصر ظهور مخاطب این مبارزه جویی نبوده‌اند بلکه قرآن همه مردم را در همه عصرها و همه نسل‌ها مخاطب تحدی قرار داده است.*

۴. تحدی به جنیان

آیه ۸۸ سوره اسراء به خوبی نشان می‌دهد که تحدی قرآن متوجه همه انس و جن است و از آنها می‌خواهد که اگر می‌توانند از همه نیرو و توان خود استفاده کنند و مانند قرآن بیاورند. نکته دیگری که در این مورد لازم به توضیح است این است که هم‌اوردخواستن در آن نیست که سخنی همسان و همانند سخن خدا بیاورند به گونه‌ای که در شیوه بیان و نحوه تعبیر همانند باشد؛ زیرا این نوع همانندی جز با تقلید امکان‌پذیر نیست بلکه مقصود از تحدی آوردن سخنی است که از نظر معنویت و ادای جایگاهی ارجمند و والا مانند قرآن باشد و در درجه اعلا فصاحت و بلاغت قرار گرفته باشد و سخنی توانا و قدرتمند، رسا و گویا با محتوایی بلند و متین و استوار باشد. از این جهت است که همه چه انس و چه جن مخاطب این تحدی هستند. (معرفت، ۱۴۱۱، ۱۳۴/۴)

در مقابل دیدگاه تعمیم تحدی قرآن به انس و جن برخی از علما جنیان را از دایره تحدی قرآن خارج کرده‌اند. زرکشی تحدی قرآن را شامل جنیان نمی‌داند؛ زیرا قرآن به اسلوب زبان عربی نازل شده است که جنیان اهل آن نبوده‌اند. وی تعمیم تحدی به جنیان در آیه ۸۸ سوره اسراء را برای تعظیم می‌داند. (زرکشی، ۱۴۱۵، ۲۰۴/۲) بنت الشاطی نیز این تعمیم را ناظر به عرف رایج در میان عرب جاهلی می‌داند که می‌پنداشتند هر شاعری همراهی از جنیان دارد که اشعار زیبارابه او الهام می‌کند (بنت الشاطی، ۱۴۰۴، ص ۷۱). قاضی عبدالجبار سخن کسانی را که می‌گویند این قرآن انسان‌ها و پریان را به هم‌وردی خود فراخوانده است، رد می‌کند. وی در ابطال این نظریه می‌گوید:

پیش از این روشن شد که در (خلاف عادت بودن قرآن) مقصود از عادت، عادت‌تی است که برای ما شناخته شده باشد نه عادت‌تی که ما از آن آگاهی نداشته باشیم، پس در شرایطی که نمی‌توان احوال پریان را مشاهده کرد، به طریقی غیر از مشاهده نیز اطلاع حاصل نمی‌شود. به همین دلیل از نظر عقلی راهی برای شناخت آنها نداریم. در شناخت معجزه بودن قرآن همین مقدار بس است که بدانیم شیوه گفتاری این کتاب، از عادت کسانی که عادتشان برای ما شناخته شده می‌باشد، بیرون است. پس در چنین موردی که این کار برای انسان‌ها ناممکن باشد همین در دلالت نبوت بس است، هر چند از ناممکن بودن آن برای پریان یا فرشتگان نیز اطلاعی نداشته باشیم. (عبدالجبّار، بی تا، ۲۷۹/۱۶)

باقلائی از نمایش اعجاز قرآن در برابر پریان و به مبارزه خواندن آنها برداشت دیگری دارد.

وی می‌گوید:

ساختار و نظم قرآن چنان مرتبه‌ای در بلاغت دارد که هم از عادت پریان در گفتار خود و هم از عادت انسان در کلام خود بیرون است. به همین دلیل نیز پریان از آوردن همانندی برای قرآن ناتوانند. چنان که ما ناتوانیم. کلام قرآن از عادت آن گفتار جنیان که عرب به آن اعتقاد داشت از شعری که از پریان روایت می‌کرد و از کلامی که از ایشان نقل می‌کرد، بیرون بود. (باقلائی، ۱۴۰۴، ص ۵۷)

۵. برآیند

پیشگویی و اعلام ناتوانی ابدی بشر در شبیه‌سازی و همانندآوری حکایت از نفوذناپذیری قرآن و اعجاز آن دارد و خداوند از آینده خبر داده است که هیچ گروهی در هیچ وقت نمی‌تواند مانند قرآن بیاورد و آیه ۸۸ سوره اسرا متضمن یک خبر غیبی از آینده است، پس در تحدی قرآن آنچه معیار است ناتوانی سخنوران عرب عصر بعثت در آوردن همانندی برای قرآن نیست بلکه دلالت اعجاز آن بر صحت نبوت و بعد از آن عام بودنش برای تمام اعصار است. تحدی قرآن به این معنا نیست که به زبان عربی باشد. اگر کسی بتواند با همان سبک قرآن و همان سطح از معارف، جاذبه، تأثیر، تفکر آفرینی و سیردادن به عالم معنا مطلبی بیاورد، هر چند به زبان‌های دیگر باشد، باز قرآن مبارز می‌طلبد و خود را آماده کرده است؛ زیرا از مفهوم (مثل) استفاده زبانی نمی‌شود و عربی بودن از ذاتیات قرآن نیست.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۲۰). معجم المقاییس اللغة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰). الفهرست فی اخبار العلماء المصنفین من القدماء من المحدثین و اسماء کتبههم. تهران: بی نا.
 ۴. باقلانی، ابی بکر محمد بن طیب (۱۱۱۹). اعجاز القرآن. قاهره: دار المعارف.
 ۵. بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (۱۴۰۴). الاعجاز البیانی للقرآن. قاهره: دار المعارف.
 ۶. جوان آراسته، حسین (۱۳۷۷). درسنامه علوم قرآنی. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۷. خر مشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷). قرآن پژوهی. تهران: دوستان.
 ۸. خطیب، عبدالکریم (۱۹۷۵). اعجاز القرآن فی درسه کاشفه لخصائص البلاغه العربیه و معایزهها. بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر.
 ۹. خلف الله، احمد محمد، زغلول، سلام محمد (۱۱۱۹). ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن للرمانی و الخطابی و عبدالقاهر جرجانی. قاهره: دار المعارف.
 ۱۰. خلف الله، احمد عز الدین عبدالله (۱۴۲۲). القرآن یتحدی. بیروت: دار صادر.
 ۱۱. الخویی، ابوالقاسم (۱۳۹۵). البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الزهراء.
 ۱۲. الدوری، قحطان عبدالرحمن (۱۴۱۷). التحدی فی آیات الاعجاز. بیروت: مؤسسه الرساله.
 ۱۳. رازی، محمد بن عمر فخر الدین (۱۴۱۳). التفسیر الکبیر. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۴. رازی، محمد بن عمر فخر الدین (۱۱۴۸ م). المحصل. القاهره: التراث.
 ۱۵. زرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله (۱۴۱۵). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار المعرفه.
 ۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۲۳). الاعجاز و التحدی فی القرآن الکریم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
 ۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۷). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۱۸. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۱). من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.
 ۱۹. قاضی عبدالجبار، عبدالجبار بن احمد (بی تا). المعنی. بی جا: بی نا.
 ۲۰. سید قطب (۱۴۲۵). فی ظلال القرآن. القاهره: دار الشروق.
 ۲۱. لنکرانی، محمد (۱۳۸۶). مدخل التفسیر. قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار علیهم السلام.
 ۲۲. سید مرتضی، علی بن حسین الموسوی (۱۳۸۲). الموضح عن جهه اعجاز القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش آستان قدس رضوی.
 ۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷). قرآن شناسی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۲۴. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۱). التمهید فی علوم القرآن. قم: نشر اسلامی.
 ۲۵. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). الکاشف. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۲۶. نصار، حسین (۱۹۹۹). اعجاز القرآن. مصر: مکتبه مصر.